

تأثیر حادثه « ۱۱ سپتامبر » بر قبض و بسط مفهوم آنتی سمیتیسم

ابراهیم رسولی^۱

چکیده:

صهیونیست‌ها و سازمانهای صهیونیستی همواره به دنبال نفوذ در مراکز قدرت و بهره‌برداری از موقعیتهای مختلف برای دستیابی به اهداف خود بوده و تا قبل از تشکیل رژیم صهیونیستی، تلاش آنها غالباً در جهت استفاده از رویدادهای تاریخی و امکانات قدرتهای دیگر برای تأسیس یک دولت صهیونیستی بود. آنان پس از تأسیس این رژیم نیز توجه خود را معطوف به حمایت و حفاظت از آن کرده و از هر رویدادی به منظور ایجاد یک حاشیه امنیتی جدید برای آن بهره‌برداری کرده‌اند. حادثه ۱۱ سپتامبر و تحولات پس از آن که با تغییر فضای بین‌المللی و تقسیم آن توسط نفوادمحافظه‌کاران به ۲ جبهه تروریسم و ضدتروریسم منجر گردید، این فرصت را در اختیار صهیونیست‌ها قرار داد تا با قرار دادن خود در جبهه ضد تروریسم به بسط اصطلاح آنتی سمیتیسم در ابعاد گوناگون بپردازند و این موضوع را به عنوان یک معضل بین‌المللی در دستور کار کشورها و سازمانهای بین‌المللی قرار دهند. این نوشتار به تشریح تحول مفهوم آنتی سمیتیسم پس از حادثه ۱۱ سپتامبر می‌پردازد.

واژگان کلیدی: حادثه ۱۱ سپتامبر؛ آنتی سمیتیسم؛ آنتی ساس (آنتی سمیتیسم، آنتی اسرائیلیسم و آنتی صهیونیسم)

۱- کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه:

میزان تأثیرپذیری یک مفهوم از یک رویداد تاریخی به ۲ عامل بستگی دارد: یکی برجستگی و فراگیری رویداد مورد نظر و دیگری استفاده محققان و اندیشمندان یک حوزه مفهومی برای بهره‌برداری از آن در جهت قبض و بسط مفهوم مورد نظر خود. برای بسط مفهوم آنتی‌سمیتیسم، هر ۲ عامل مذکور، در یک مقطع زمانی به نام «۱۱ سپتامبر»، فراهم شدند.

جهان پس از «۱۱ سپتامبر» را می‌توان یکی از استثنایی‌ترین دوران‌های تاریخ معاصر به شمار آورد؛ رویدادی که عملاً مسیر زندگی بشری به ویژه محیط بین‌المللی و ساختار نظام سیاسی جهان را دگرگون ساخت تا جامعه جهانی، خود را برای انتخاب و آغاز یک دوره جدید زندگی برآمده از کشاکش بین یک قدرت با چند قدرت یا به عبارت دیگر بین برپایی یک نظام تک قطبی یا یک نظام چند قطبی آماده کند.

در حقیقت، ماهیت و سرشت جامعه جهانی پس از «۱۱ سپتامبر» بر پایه نزاع قدرت‌ها برای انتخاب نوعی نظم نوین بین‌المللی استوار است؛ نزاع و رقابتی که تاکنون نیز بدون هرگونه نتیجه روشنی ادامه دارد و از آن زمان تاکنون نیز همه تعاملات، صف‌بندی‌ها، درگیری‌ها و رویدادهای بزرگ و کوچک بین‌المللی و منطقه‌ای، در قالب این امر معنی و مفهوم می‌یابد و آنتی‌سمیتیسم نیز یکی از این مفاهیم است که تحت تأثیر این حادثه قرار گرفته است.

شماری از این مرزبندی‌ها را جرج بوش رئیس جمهور آمریکا در تقسیم جهان به «خیر و شر» و اینکه جهان باید بین اینکه در کنار آمریکا و در اردوگاه آمریکا بایستد یا اردوگاه دشمن، یکی را انتخاب کند، می‌توان به وضوح دید.^(۱)

حادثه «۱۱ سپتامبر» با تقسیم نظام بین‌المللی به ۲ جبهه خیر و شر یا تروریسم و مبارزه با تروریسم، فضای لازم و کافی را برای استفاده صهیونیست‌ها و سازمانهای صهیونیستی در جهت بهره‌برداری از آن و تلاش برای بسط مفهوم آنتی‌سمیتیسم فراهم آورد. بنابراین اگرچه، زمان قابل توجهی از رخداد «۱۱ سپتامبر» گذشته است اما انتخاب این مقطع تاریخی برای جداسازی ۲ دوره مختلف بروز آنتی‌سمیتیسم، از این منظر، معنا و مفهوم می‌یابد و دارای تازگی خاص خود است که فضای به وجود آمده پس از «۱۱ سپتامبر»، عمدتاً یک فضای دوران انتقال برای شکل گرفتن نظم نوین بین‌المللی محسوب می‌شد و فرصتی برای صهیونیست‌ها بود تا از آن استفاده لازم را برده و اقدام به زمینه‌چینی برای پی‌ریزی یک ساختار و ادبیات جدید بکنند که پیامدهای آن در سالهای اخیر (و شاید در سالهای آینده) به طور چشمگیری نمود پیدا می‌کند. لازم به ذکر است که شکل‌گیری دوره جدید در روابط بین‌الملل، تا حدودی ریشه در تحولات پس از پایان جنگ سرد و طرح نظریه‌هایی مانند «نبرد تمدنها» ی ساموئل هانتینگتون و

«پایان تاریخ» فرانسویس فوکویاما دارد. این نظریه‌ها که به نوعی دستمایه نومحافظه‌کاران آمریکا برای شکل دادن به جهان پس از ۱۱ سپتامبر قرار گرفتند، بر تحول مفهوم آنتی‌سمیتیسم نیز بسیار تأثیر گذاشتند.

الف) کلیات

۱) طرح مسئله:

صهیونیست‌ها و سازمانهای صهیونیستی همواره به دنبال نفوذ در مراکز قدرت و بهره‌برداری از موقعیت‌های مختلف برای دستیابی به اهداف خود بوده‌اند. تا قبل از تشکیل رژیم صهیونیستی، تلاش آنها غالباً در جهت استفاده از رویدادهای تاریخی و امکانات قدرتهای دیگر برای تأسیس یک دولت صهیونیستی بود و پس از تأسیس رژیم صهیونیستی نیز توجه خود را معطوف به حمایت از این رژیم کرده و از هر رویدادی به منظور ایجاد یک حاشیه امنیتی برای آن بهره‌برداری کرده‌اند. در همین راستا حادثه ۱۱ سپتامبر با تغییر فضای بین‌المللی و تقسیم جهان به ۲ جبهه تروریسم و ضدتروریسم، این فرضت را برای صهیونیست‌ها ایجاد کرد تا از محمل آن به بسط مفهوم آنتی‌سمیتیسم پرداخته و مصادیق و مفاهیم آن را گسترش داده و از همه مهمتر، این مسئله را در دستور کار کشورها و سازمانهای بین‌المللی قرار دهند. به طوری که در سالهای اخیر این واژه را معادل تروریسم، آنتی‌صهیونیسم و آنتی‌اسرائیلیسم نیز تعبیر و توصیف کرده‌اند. این تغییرات ما را وادار می‌کند که به جرایمی و چگونگی تأثیر حادثه ۱۱ سپتامبر بر مسئله آنتی‌سمیتیسم بپردازیم.

۲) سؤال تحقیق:

حادثه ۱۱ سپتامبر چگونه بر قبض و بسط مفهوم آنتی‌سمیتیسم تأثیر گذار بوده است؟

۳) فرضیه تحقیق:

حادثه ۱۱ سپتامبر با تغییر فضای بین‌المللی و تقسیم آن به ۲ جبهه تروریسم و ضدتروریسم، این فرصت را در اختیار صهیونیست‌ها قرار داد تا با قرار دادن خود در جبهه ضدتروریسم، به بسط اصطلاح آنتی‌سمیتیسم در ابعاد مفهومی و مصادیقی پرداخته و این مسئله را در دستور کار کشورها و سازمانهای بین‌المللی قرار دهند.

۴) رویکرد نظری: قبض و بسط مفاهیم

به موازات تحولاتی که در نظام بین‌المللی و الگوهای رفتاری رخ می‌دهد، مفاهیم و مصادیق مختلف نیز دچار قبض و بسط می‌شوند که این وضع هم به نوبه خود تغییراتی را به لحاظ ساختاری و کارکردی به

دنبال دارد. این تغییرات ممکن است در سطوح خرد یا کلان و در نتیجه دگرگونی در روابط میان آن ۲ سطح رخ دهد؛ به گونه‌ای که در روند این تحولات، کارکردهای جدید احیاناً شکل نوینی به ساختارهای گوناگون دهند و آنها را کلاً یا جزئاً دستخوش دگرگونی سازند.

دگرگونیهای شگرف تکنولوژیک، گسترش ارتباطات و تبادل سریع اطلاعات و جابه‌جایی بازیگران در شرائط و مقتضیات گوناگون، دستکم تفسیرهای جدیدی از مفاهیم را به دست می‌دهند. (۲)

قبض و بسط مفهوم آنتی‌سمیتیسم نیز خارج از این قواعد و اصول نیست. اگر صهیونیست‌ها و سازمانهای صهیونیستی را به عنوان بازیگرانی غیردولتی فرض کنیم، با توجه به آمادگی آنها برای استفاده از هر رویداد تاریخی، رو در رویی آنها با حادثه ۱۱ سپتامبر نیز حائز اهمیت است، زیرا صهیونیست‌ها از ظرفیتهای و توانایی‌هایی برخوردار بودند که بلافاصله پس از وقوع این حادثه، تعاریف جدیدی از اهداف و منافع خود ارائه دادند و از شرائط جدید پیش آمده نهایت بهره‌برداری را کردند.

از آنجا که بسط مفهوم آنتی‌سمیتیسم موردنظر صهیونیست‌ها با ادبیات غالب در روابط بین‌الملل پس از ۱۱ سپتامبر یعنی تروریسم و ضدتروریسم همخوانی زیادی داشت و جنس بازیگران آن نیز با بازیگران این نظام جدید از هماهنگی و تطابق لازم برخوردار بود، صهیونیست‌ها توانستند بدون برخورد با چالش‌های جدی در عرصه نظام بین‌الملل، مفاهیم و مصادیق جدید خود را ارائه کنند.

۵) تعریف آنتی‌سمیتیسم:

آنتی‌سمیتیسم در یک تعریف عام شامل ابراز تنفر از یهودیان و اقدامات خشونت‌بار علیه آنان است. فرهنگ لغت خاورمیانه، آنتی‌سمیتیسم را تبعیض و تعصب علیه یهودیان همراه با پیشداوری معنی کرده است. همچنین آنتی‌سمیتیسم را بیانگر رفتار خصمانه و طرز فکر کینه‌توزانه که هدف آن منزوی کردن و اخراج و قتل عام یهودیان است، نیز دانسته‌اند. (۳)

البته برخی از یهودیان عنصر روانی را نیز به این مسئله وارد کرده و از آن یهودی‌آزاری را استنباط کرده‌اند. در برخی موارد نیز آنتی‌سمیتیسم به مخالفت کلی با یهودیان اطلاق می‌شود. بطور کلی می‌توان از تمامی مواردی که صهیونیست‌ها آنها را به عنوان اقدامات آنتی‌سمیتیک بر می‌شمارند، این تعریف را ارائه داد: آنتی‌سمیتیسم شامل هرگونه اظهارنظر و اقدام خشونت‌بار جزئی و کلی علیه یهودیان امروزی به عنوان وارثان فرهنگ، تاریخ و مذهب یهود در هر نقطه‌ای از جهان است که در قالب اقدامات فیزیکی، سخنرانی، نشریات، فیلم و... آنتی‌سمیتیک نمود می‌یابد. (۴) از منظر صهیونیست‌ها، این واژه امروز، شامل هر نوع اظهار نظر و اقدام علیه رژیم صهیونیستی و صهیونیست‌ها نیز می‌شود.

۶) تاریخچه اصطلاح آنتی سمیتسیم:

یهودیان و صهیونیست‌ها معتقدند از نظر تاریخی و از هنگامی که اولین معبد یهودیان خراب شد و یهودیان در سرزمینهای دیگر تبعید و پراکنده شدند، آنتی سمیتسیم آغاز شد و در واقع خود این آواره‌سازی و نابودی معابد، اولین اقدام آنتی سمیتیک محسوب می‌شود.

اما این اصطلاح را برای اولین بار در سال ۱۸۷۹، یک روزنامه‌نگار آلمانی به نام «ویلهلم مار» در هجو نامه‌ای تحت عنوان «پیروزی یهودیت بر ژرمانیسم» برای بیان خشم و کینه غیرمذهبی‌ها علیه یهودیان به طور رسمی بکار برد و از آن پس تاکنون این اصطلاح در ادبیات سیاسی مرسوم شده است. (۵)

ب) آنتی سمیتسیم قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر:

محققین یهودی و صهیونیستی، تاریخ تحولات آنتی سمیتسیم را به ۲ دوره تقسیم می‌کنند: دوره نخست تا سال ۱۶۸۸ و دوره دوم از ۱۶۸۸ به بعد آن. آنان دوره نخست را آنتی سمیتسیم کلاسیک و دوره دوم را آنتی سمیتسیم مدرن می‌نامند. (۶) از این منظر آنتی سمیتسیم کلاسیک بر پایه مذهب بنا شده بود حال آنکه آنتی سمیتسیم مدرن براساس نظریات علمی و شبه علمی و بر پایه نژاد بنیان گذاشته شد که در ادامه به بررسی هر کدام از آنها می‌پردازیم.

۱) آنتی سمیتسیم کلاسیک (مذهب محور):

به زعم صهیونیست‌ها یکی از مهمترین عوامل بروز آنتی سمیتسیم، نظریات دینی و مذهبی است که به ویژه مسیحیان و مسلمانان نسبت به یهودیان دارند و از نظر مسلمانان و مسیحیان، یهودیان ویژگی‌هایی منفی دارند. از این رو صهیونیست‌ها این نگرش را عامل اقدامات آنتی سمیتیک می‌دانند.

۱-۱) مسیحیت و آنتی سمیتسیم:

اختلاف میان یهودیان و مسیحیان بسیار ریشه‌دار است. یهودیان معتقدند که مسیحیان پیش از عیسی (ع)، پیرو دین یهود بودند اما با گرویدن به آیین او با کنیسه قطع رابطه کرده و به جرگه شرک یا کفر پیوسته‌اند. از طرف دیگر مسیحیان، یهودیان را متهم می‌کنند که در دستگیری حضرت عیسی (ع) دست داشته‌اند. همچنین مسیحیان معتقدند که شورای ریش سفیدان یهود (سنهدرین) حضرت عیسی (ع) را تکفیر کرده است.

لازم به ذکر است که علاوه بر ریشه مذهبی اختلاف میان یهودیان و مسیحیان، عامل اقتصادی یعنی شیوع «رباخواری» در میان یهودیان نیز از دیگر عوامل اختلاف مسیحیان با آنها محسوب می‌شود. در سال ۱۰۹۵ که جنگ صلیبی آغاز شد، برخی از مسیحیان، کشتن یهودیان اروپا را مقدم بر کشتن مسلمانان می‌دانستند و در مهمترین شوراها ی مسیحیان که هر چند سال یک بار توسط کلیسا برگزار می‌شد، احکامی علیه یهودیان صادر می‌شد. (۷)

مهمترین حوادثی که در مورد روابط مسیحیت و یهودیت با عنوان اقدامات آنتی سمیتیک مطرح شده‌اند، عبارتند از: استفاده از خون مسیحیان برای تهیه فطیر مقدس در میان یهودیان، نصب علامت زرد بر سینه و یقه لباس یهودیان، تفتیش عقاید، برپایی گتوها، انتشار کتاب پروتکل‌های زعمای صهیون و... (۸)

۲-۱) اسلام و آنتی سمیتسم:

دین مبین اسلام علی‌رغم تساهل و مدارایی که با سایر ادیان دارد، برخی از یهودیان را دارای ویژگی‌هایی می‌داند که قابل اغماض و پذیرش نیستند. این ویژگی‌های منفی در قرآن با صراحت ذکر شده‌اند که بطور خلاصه می‌توان آنها را در محورهای زیر دسته‌بندی کرد. صهیونیست‌ها این نظرات را مصادیق آنتی سمیتسم معرفی کرده‌اند: خودخواهی و خودپرستی، ثروت پرستی، قتل پیامبران و تبهکاری، قساوت و جنگ‌افروزی، دروغ و پیمان شکنی و ... (۹)

۲) آنتی سمیتسم مدرن (نژاد محور):

رابطه نژادپرستی و آنتی سمیتسم از ۲ منظر قابل بررسی است. در منظر نخست مهمترین نظریات علمی و شبه علمی که درباره سلسله مراتب نژادها و آثار سیاسی آنها در رفتار سیاسی دولت‌ها علیه یهودیان است، مطرح می‌شوند. در منظر دیگر وجود تفکرات نژادپرستانه‌ای که در یهودیت وجود دارد و به نوعی در اقدامات ضد یهودیان تأثیرگذار است، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲-۱) اندیشه‌های نژادپرستانه یهود:

یهودیان به جای آنکه خود را معتقد به دین موسی بدانند، خود را از نژاد و خون یهودی می‌دانند. مقدم بودن نژاد بر دین و مذهب در این قوم، باعث شده است که آنان هیچ کس را به دین خود دعوت نکنند و یکی از عوامل تنفر از آنان نیز همین است.

۲-۲) نظریه‌های نژادی و آنتی سمیتیسم:

از سده ۱۶ به این سو نظریه‌پردازانی در حوزه‌های مختلف علوم تجربی ظهور کردند که نگرش جدیدی به فیزیک جهان داشتند. پس از اینان بود که عصر روشنگری آغاز شد. همزمان، در این دوره بحث نژاد و سلسله مراتب آن مطرح شد. برخی دانشمندان نظریات گوناگونی درباره نژاد بشر و رابطه آن با تمدن مطرح کردند. این افراد یهودیان را دارای صفاتی مانند داشتن بینی خم شده، چشمهای چشمک‌زن، دندانهای به هم فشرده، گوشهای برجسته، ناخن‌های مربعی شکل، نیم تنه بلند، پاهای پهن، زانوهای گرد، پاشنه بیش از حد بیرون آمده، دستهای نرم که مکرر و ریاکاری و خیانت را می‌شود در آن ملاحظه کرد، برمی‌شمردند و همچنین آنها را منحط‌ترین نژاد روی کره خاکی خواندند. علاوه بر آن، نازی‌ها براساس برنامه‌های آموزشی خود و با اشاره به نظریات داروین، تمدنها را به ۳ دسته تقسیم‌بندی می‌کنند که از نظر صهیونیست‌ها نماد آنتی سمیتیسم است: اول، گروهی که خالقان و سازندگان تمدن بشری‌اند شامل نژاد آریایی بویژه شاخه ژرمن. دوم، گروهی که هیچ هنری در ابداع و خلق تمدن و فرهنگ ندارند، اما می‌توانند در حفظ و تداوم دستاوردهای نژاد تمدن‌ساز مؤثر باشند که انگلوساکسون‌ها از این دسته‌اند. سوم، گروه مخربان فرهنگ و اندیشه که از هیچ حق حیاتی برخوردار نیستند و این گروه، دشمن خبیث به شمار می‌روند که پیوسته درصدد نابودی تمدن و فرهنگ خالقان تمدن برمی‌آیند که سیاهپوستان و یهودیان را می‌توان در این دسته قرار داد. (۱۰)

۳) آنتی سمیتیسم پس از تشکیل رژیم صهیونیستی

بطور کلی نگرش صهیونیست‌ها نسبت به مصادیق فعالیت‌های آنتی سمیتیک پس از تشکیل رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸، تفاوت عمده‌ای با نگرش آنان در سالهای پیش از تشکیل این رژیم دارد. این اختلافات را می‌توان به صورت ذیل برشمرد:

- اقدامات آنتی سمیتیک از مبانی مذهبی و نژادپرستانه در سطح کلان جدا شده‌اند.
- هرگونه انکار هولوکاست در ردیف اقدامات آنتی سمیتیک محسوب می‌شود.
- مخالفت با دولت اسرائیل مساوی با آنتی سمیتیسم قلمداد می‌شود.
- اقدامات طبیعی و حوادث کوچک در ردیف اقدامات آنتی سمیتیک به حساب می‌آیند.
- هدف تبلیغات و بزرگنمایی صهیونیست‌ها در مورد اقدامات آنتی سمیتیستی، به جای تشکیل یک دولت یهودی (مانند دوره قبل)، افزایش مهاجرت یهودیان و تقویت دولت یهودی است.

- یکی از اهداف بزرگنمایی اقدامات آنتی سمیتیک، مظلوم جلوه دادن یهودیان و کسب امتیازات سیاسی و اقتصادی، برای یهودیان و دولت اسرائیل از کشورهای متبوع یهودیان است و ...

۳-۱) تجدیدنظرطلبان و آنتی سمیتیسیم:

تجدیدنظرطلبان شامل تعدادی از محققین حوزه‌های مختلف علمی است که به بررسی «هولوکاست» می‌پردازند. اینان برخلاف آنچه صهیونیست‌ها به آنها نسبت می‌دهند («انکارکننده» و «منکرین هولوکاست»)، مرگ یهودیان در جنگ جهانی دوم را انکار نمی‌کنند بلکه آنها می‌گویند که اولاً تعدادی که صهیونیست‌ها ادعا می‌کند در جریان هولوکاست کشته شده‌اند با واقعیات تاریخی و علمی همخوانی ندارد، ثانیاً در کنار یهودیان، افرادی از سایر ادیان و ملیتها نیز کشته شده‌اند، ثالثاً اتاقهای گاز وجود خارجی نداشته‌اند و ...

بطور کلی مورخین تجدیدنظرطلب بر سر مسائلی مانند تعداد یهودیانی که در جنگ جهانی دوم کشته شده‌اند، نحوه کشته شدن آنها و تصور منحصر به فرد بودن کشتار یهودیان در تاریخ بشری بحث می‌کنند. از آنجا که هر کدام از این موارد با خواسته‌ها و اهداف صهیونیست‌ها در تعارض شدید است، تجدیدنظرطلبان به عنوان مخالفان یهودیان و اقدامات آنها نیز به عنوان اقدامات آنتی سمیتیک منظور می‌شود.

۳-۲) راستگرایی و آنتی سمیتیسیم:

یکی از مصادیقی که صهیونیست‌ها برای اقدامات آنتی سمیتیک پس از تشکیل رژیم صهیونیستی مورد اشاره قرار می‌دهند، اقدامات گروه‌ها و احزاب راستگرا به ویژه در کشورهای اروپایی است. راستگرایان، اشخاص یا احزابی‌اند که بر مبنای بخشی از تفکرات نژادپرستانه قبل از جنگ جهانی دوم در کشورهای اروپایی شکل گرفته‌اند. این گروه‌ها که به طور عام نئونازی یا نئوفاشیست نامیده می‌شوند، به نوعی معتقد به برتری نژادی بوده و اخراج مهاجران، شامل سیاهان، آسیایی‌ها و یهودیان را خواستارند. (۱۱)

۳-۳) فنو آنتی سمیتیسیم:

۳ دیدگاه مختلف پیرامون زمینه‌های شکل‌گیری نئوآنتی سمیتیسیم از سوی حامیان صهیونیسم مطرح شده است. حاخام جاناتان ساکس استاد دانشگاه کمبریج مدعی است ظهور نئوآنتی سمیتیسیم متأثر از حادثه ۱۱ سپتامبر و متهم شدن همه یهودیان جهان اعم از یهودیان ساکن اسرائیل یا خارج آن به دخالت در این

حادثه است. در حالی که دیوید ماتاس از مقامات سازمان صهیونیستی بنای بریث کانادا و نویسنده یهودی کتاب «عبارات خونین» ضمن اشاره به پیامدهای «کنفرانس جهانی مبارزه با نژادپرستی» در دوربان آفریقای جنوبی از جمله محکومیت اسرائیل به نژادپرستی، نتیجه این کنفرانس را تبدیل شدن آنتی سمیتیسم به آنتی صهیونیسم و در نتیجه تشدید خصومت‌ها علیه همه یهودیان جهان معرفی می‌کند، بنیامین نتانیاهو از رهبران بلندپایه رژیم صهیونیستی مدلول نئو آنتی سمیتیسم را خصوصت علیه یهودیان اروپا از زمان «کناره گیری فلسطینیان از روند دیپلماسی و مذاکره و گرایش آنان به سوی توسل به خشونت از طریق انتقاضه الاقصی» معرفی می‌کند. مطابق این دیدگاه، نظر به آنکه محکومیت اسرائیل و صهیونیسم از زمان تأسیس دولت یهودی امری معمول بوده است، وجه تمایز نئو آنتی سمیتیسم از آنتی سمیتیسم، بروز نارضایتی از همه یهودیان جهان در قالب انتقاد از اسرائیل است. بنابراین نئو آنتی سمیتیسم بر این امر دلالت دارد که همه یهودیان صرف نظر از دیدگاههای خود پیرامون اسرائیل مقصر بوده و باید پاسخگوی اعمال اسرائیل و حتی پرداخت کننده هزینه‌های موجودیت آن باشند. (۱۲)

با تمام این تفاسیر هنوز هیچ تعریفی برای دوره‌های جدید آنتی سمیتیسم ارائه نشده و آنتی سمیتیسم در حال حاضر هنوز تحت عنوان دوره مدرن تقسیم‌بندی می‌شود، اگرچه در سالهای اخیر و با استناد به حوادثی مانند ۱۱ سپتامبر، صهیونیست‌ها درصددند تا به طور جدی، مبارزه با آنتی سمیتیسم را در دستور کار کشورها و سازمانهای بین‌المللی قرار دهند و شاید در آینده‌ای نزدیک از آن به عنوان دوره بین‌المللی شدن آنتی سمیتیسم یاد کنند.

ج) تأثیر حادثه ۱۱ سپتامبر بر مفهوم آنتی سمیتیسم:

۱) بهره‌برداری صهیونیست‌ها از حادثه ۱۱ سپتامبر:

صهیونیست‌ها و سازمانهای صهیونیستی همواره به دنبال استفاده از موقعیت‌های تاریخی گوناگون به نفع خود و رژیم صهیونیستی بوده و در دوره‌های تاریخی مختلف از ابزارها و روشهای متعددی برای دستیابی به این اهداف بهره برده‌اند حتی اگر این اهداف و روشهای دستیابی به آنها غیرانسانی بوده باشد. شاید اولین فرصت طلبی صهیونیست‌ها، سوءاستفاده از رویدادهای بین‌المللی مربوط به جنگ جهانی اول باشد که طی آن فعالیتهای صهیونیست‌ها و سازمانهای صهیونیستی به حدی گسترش یافته بود که جیمز بالفور وزیر خارجه وقت انگلستان در سال ۱۹۱۷ خطاب به لرد روچیلد که سرپرستی فدراسیون صهیونیست‌ها را به عهده داشت، نوشت: «...حکومت اعلی حضرت {انگلیس} به موضوع تأسیس وطنی ملی برای ملت یهود در فلسطین به دیده موافق می‌نگرد و نهایت سعی خود را برای تحقق این هدف به کار می‌گیرد...» (۱۳) چنین

امتیاز بزرگی که از انگلیس و جامعه بین‌المللی کسب شده بود، نخستین سنگ بنای رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود.

بار دیگر صهیونیست‌ها از فرصت دیگری که در طی جنگ جهانی دوم پیش آمده بود، استفاده کرده و به بهانه هولوکاست، این بار به تأسیس رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ یعنی ۳ سال پس از اتمام جنگ دوم جهانی اقدام کردند. فرصت‌طلبی صهیونیست‌ها در طی جنگ جهانی دوم و با استفاده از بحران به وجود آمده در نظام بین‌الملل زمانی بهتر درک می‌شود که اسناد خیانت صهیونیست‌ها به یهودیان مطالعه شوند. لنی برنر محقق تاریخ و هولوکاست، در کتاب خود تحت عنوان «۵۱ سند همکاری صهیونیست‌ها با نازی‌ها» به خوبی به واقعیات جنگ جهانی دوم و ماجرای هولوکاست و چگونگی دست داشتن صهیونیست‌ها در این ماجرا پرداخته است. (۱۴)

در طول جنگ سرد و پس از تشکیل این رژیم، تلاش صهیونیست‌ها معطوف به این نکته شد که از تمام امکانات موجود، برای بقای این رژیم استفاده و حاشیه‌های امنیتی جدی‌تری را به دور آن ایجاد کنند، لذا خود را در جبهه غرب قرار داده و از کمک‌های آمریکا و متحدان اروپایی آن بهره بردند. پس از فروپاشی شوروی نیز صهیونیست‌ها با معرفی رژیم صهیونیستی به عنوان تنها دموکراسی پایدار خاورمیانه و جبهه مقدم مبارزه با تروریسم، باز هم سعی کردند به مشروعیت بخشی به این دولت در نظام بین‌الملل و منطقه خاورمیانه بپردازند و از این طریق، منافع رژیم صهیونیستی را با منافع غرب و به ویژه آمریکا بیشتر و بیشتر پیوند دادند.

حادثه ۱۱ سپتامبر نیز با دامنه‌ای که داشت، رویدادی محسوب می‌شد که صهیونیست‌ها به سادگی از کنار آن نمی‌گذشتند و از فردای آن روز به بهره‌برداری از آن در تمام زمینه‌ها پرداختند که یکی از این موضوعات، مسئله آنتی‌سمیتیسم است. موضوع آنتی‌سمیتیسم از آن جهت برای صهیونیست‌ها هنوز از ارزش بالایی برخوردار و حتی در دهه‌ها و سالهای اخیر بر ارزش آن افزوده شده است که به صورت ادبیات غالب درآمده و صهیونیست‌ها از طریق آن تمام خواسته‌های خود را مطرح و پی‌گیری می‌کنند. صهیونیست‌ها در تاریخ یهودیان، هیچ گاه به اندازه دهه‌های اخیر، مسئله آنتی‌سمیتیسم را مطرح نساخته‌اند. یکی از اولین صهیونیست‌هایی که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر به ارائه دیدگاه‌های خود در مورد تأثیر حادثه ۱۱ سپتامبر بر آنتی‌سمیتیسم پرداخته، حاخام جاناتان ساکس حاخام اعظم «انجمن‌های متحد عبری ایالتی» است که در مقاله خود تحت عنوان «آنتی‌سمیتیسم جدید» در سال ۲۰۰۲ با صراحت، تمام رویدادهای ضد صهیونیستی و ضد اسرائیلی را تحت عنوان آنتی‌سمیتیسم می‌آورد و دلایل افزایش رویدادهای

آنتی‌سمیتیک در سالهای اخیر راه عوامل ۳ گانه اسلام رادیکال، جناح چپ ضدآمریکایی و جناح راست ضدیهودی می‌داند که غالباً پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ظاهر شده‌اند. (۱۵)

سوءاستفاده صهیونیست‌ها از حادثه ۱۱ سپتامبر برای بسط مفهوم آنتی‌سمیتیسم در ۲ مرحله صورت گرفته که یکی زمینه‌چینی برای استفاده از این حادثه و دیگری استفاده از زمینه و فضای آماده شده برای مطرح کردن موضوعات مورد نظر و بسط و تغییر مفهوم آنتی‌سمیتیسم بود.

در مورد زمینه‌چینی صهیونیست‌ها برای سوءاستفاده از حادثه ۱۱ سپتامبر، می‌توان این موضوع را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داد:

۱-۱) پس از آنکه حادثه ۱۱ سپتامبر روی داد و مشخص شد که از ۴ هزار یهودی شاغل در مرکز تجارت جهانی، هیچ‌کدام در روز حادثه بر سر کار خود حاضر نبوده‌اند، این گمان تقویت شد که حادثه ۱۱ سپتامبر و انفجار برجهای دوقلو یک حادثه از پیش تعیین شده بوده و شاید هم به دست صهیونیست‌ها انجام گرفته است. مطرح شدن چنین دیدگاهها و تحلیل‌هایی در برخی نشریات ملی و بین‌المللی در کشورهای مختلف، سازمانهای صهیونیستی و صهیونیست‌ها را وادار به واکنش کرد و در بدو امر چنین اظهاراتی را آنتی‌سمیتیک نامیدند. انجمن ضدافترا یکی از اولین سازمانهای صهیونیستی بود که به شدت واکنش نشان داد و چنین اظهاراتی را محکوم کرد. بنابراین صهیونیست‌ها اولین اقدامات خود را برای زمینه‌چینی آغاز و در مطالب خود دشمنان اسرائیل و صهیونیسم را دشمنان آمریکا معرفی کردند تا از این طریق از بار اتهامات وارده بر یهودیان مبنی بر دست داشتن در حادثه ۱۱ سپتامبر بکاهند و همچنین آنتی‌سمیتیسم، آنتی‌اسرایلیسم، آنتی‌صهیونیسم و آنتی‌آمریکالیسم را معادل یکدیگر مطرح کنند. (۱۶)

استفان روث که در مورد مرتبط ساختن رویدادهای آنتی‌سمیتیک با حوادث ۱۱ سپتامبر به شدت فعال بوده و گزارش سال ۲۰۰۱ خود را به طور کامل به این مسئله اختصاص می‌دهد، در گزارش خود تحت عنوان «سرزنش اسرائیل و یهودیان: رویدادهای آنتی‌سمیتیک به عنوان پس‌لرزه‌های حادثه ۱۱ سپتامبر» می‌نویسد: حادثه ۱۱ سپتامبر باعث شد آنتی‌سمیتیست‌ها و جهان عرب آن را واکنشی به حمایت آمریکا از اسرائیل تعبیر کنند و یهودیان آماج این واکنش‌ها قرار گرفتند. پس از ۱۱ سپتامبر آنتی‌سمیتیسم در شکل سرزنش آمریکا بخاطر حمایت مستقیم یا غیرمستقیم از اسرائیل تجلی یافت. (۱۷)

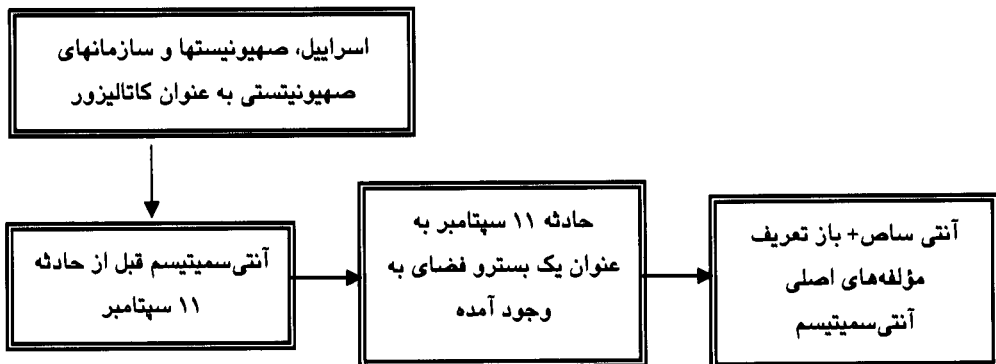
۲-۱) معادل‌سازی آنتی‌سمیتیسم با تروریسم از دیگر اقدامات صهیونیست‌ها بود به طوری که در خلال ماههای پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، غالب رویدادهای به اصطلاح آنتی‌سمیتیک را رویدادهای تروریستی تعبیر کردند تا از این طریق با قرار دادن آنتی‌سمیتیسم در جبهه تروریسم، از امکانات موجود و برنامه‌های به اصطلاح ضدتروریستی که آمریکا و جهان غرب پس از ۱۱ سپتامبر برای یک جنگ تمام عیار

علیه به اصطلاح تروریسم در نظر گرفته بودند، بهره کافی را ببرند و با آنتی‌سمیتیسم و گروه‌های به اصطلاح آنتی‌سمیتیست نیز مقابله کنند که در بخش‌های بعدی به آن پرداخته خواهد شد.

(۳-۱) از دیگر زمینه‌چینی‌های صهیونیست‌ها برای استفاده از حادثه ۱۱ سپتامبر، مطرح ساختن افزایش جو یهودستیزی و آنتی‌سمیتیسم در سراسر جهان بود. استفان روث در گزارش سال ۲۰۰۱ خود در این باره می‌نویسد: «شمار حملات خشونت‌آمیز علیه یهودیان در سال ۲۰۰۱ که در آن از اسلحه استفاده شده، ۵۰ مورد و سایر رویدادهای خشونت‌آمیز ۱۸۰ مورد بوده که عمدتاً پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و توسط مسلمانان روی داده است.» (۱۸) انجمن ضدافترا نیز مدعی شد در حالی که فعالیتهای آنتی‌سمیتیک در ایالات متحده در سالهای ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ به میزان ۱۲ درصد کاهش یافته بود، از سال ۲۰۰۱ شدت این حملات به نحو چشمگیری افزایش یافت و حتی در ۵ ماه اول سال ۲۰۰۲ نسبت به مدت مشابه در سال ۲۰۰۱ (یعنی قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر) به میزان ۱۱ درصد افزایش یافته است. همچنین بنا بر اظهارات نویسنده مقاله «آنتی‌سمیتیسم جهانی»، در سال ۲۰۰۱ تعداد ۲۸۵ رویداد آنتی‌سمیتیک روی داده (البته غالب این رویدادها پس از حادثه ۱۱ سپتامبر بوده است) که ۵۷ مورد از آنها در قالب خشونت فیزیکی بوده در حالی که در سال ۲۰۰۲ تعداد ۴۲۳ رویداد آنتی‌سمیتیک ثبت شده که ۱۱۲ مورد آن را خشونت‌های فیزیکی تشکیل می‌دهند. (۱۹)

در حقیقت، هدف اصلی صهیونیست‌ها از طرح چنین موارد گزینشی از رویدادهای آنتی‌سمیتیک، معرفی اسرائیل و یهودیان به عنوان قربانیان اصلی حادثه ۱۱ سپتامبر در کنار آمریکا بود. آنچه طرح صهیونیست‌ها برای استفاده از فضای بوجود آمده از حادثه ۱۱ سپتامبر نامیده می‌شود، در نمودار زیر آمده است:

نمودار شماره ۱) چگونگی استفاده صهیونیست‌ها از حادثه ۱۱ سپتامبر



۲) آنتی‌ساص: تلاش برای بسط مفهوم و مصادیق آنتی‌سمیتیسم

همان‌طور که ذکر شد زمینه چینی صهیونیست‌ها پس از ۱۱ سپتامبر، فضایی را در اختیار آنها قرار داد تا از طریق آن مؤلفه‌ها و پارامترهای اصلی آنتی‌سمیتیسم را متحول کنند و در غالب موارد، آن را بسط دهند. یکی از مهمترین پارامترهای مورد نظر صهیونیست‌ها، مفهوم و مصادیق آنتی‌سمیتیسم است که تغییر و تحول در آن، بر دیگر ابعاد آنتی‌سمیتیسم نیز تأثیر می‌گذارد. غالب تحولات صورت گرفته در مفاهیم عمده بویژه در حوزه سیاست، به دنبال ظهور شرائط جدید یا رویدادی است که قاعده‌های پیشینی را برهم زده و کارایی یک مفهوم خاص را زیر سؤال می‌برد. بنابراین، آن مفهوم یا منسوخ شده یا با پذیرش تحولات و تغییراتی در مؤلفه‌های اصلی خود، با شرائط پدید آمده به همخوانی می‌رسد، اما آنچه در مورد تحول و بسط مفهوم آنتی‌سمیتیسم پس از ۱۱ سپتامبر می‌توان گفت، این است که در حقیقت، صهیونیست‌ها با بهره‌برداری از فضای به وجود آمده پس از ۱۱ سپتامبر سعی کردند طی یک پروژه بلند مدت به بسط مفهوم آنتی‌سمیتیسم بپردازند. اگرچه زمینه‌چینی آنها برای استفاده از حادثه ۱۱ سپتامبر از فردای پس از این رویداد آغاز شد اما نتایجی که براساس این زمینه‌چینی‌ها حاصل شد در سالهای بعد خود را به خوبی نمایان ساخت.

مؤسسه استفان روث که گزارش‌های سالانه آن مورد استفاده این مقاله قرار گرفته است، در گزارش‌های خود درباره آنتی‌سمیتیسم در سالهای قبل از ۲۰۰۱، مفهوم و مصادیق آنتی‌سمیتیسم را توضیح داده که تفاوت چشمگیری با پارامترهای مورد نظر این نهاد صهیونیستی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر دارد. استفان روث در گزارش سال ۱۹۹۷-۱۹۹۸ خود، رویدادهای آنتی‌سمیتیک را به ۳ دسته شامل: تبلیغات آنتی‌سمیتیک به ویژه از طرف منکران هولوکاست، اقدامات خشونت‌آمیز بدون استفاده از سلاح و نهایتاً اقدامات خشونت‌آمیز با استفاده از ابزار خشونت تقسیم‌بندی می‌کند و مصادیق آنتی‌سمیتیسم را در خلال این دسته‌بندی جستجو می‌کند. (۲۰) طبیعی است که مؤسسه مذکور درباره علل حوادث و اقدامات مذکور گزینشی عمل کرده و به حوادث داخلی سرزمینهای اشغالی توجهی نکرده است.

همچنین در گزارش سال ۱۹۹۹-۲۰۰۰، استفان روث در قالب آمار به تعداد رویدادهای آنتی‌سمیتیک اشاره شده و دسته‌بندی موضوعی این رویدادها، به عنوان مصادیق آنتی‌سمیتیسم به رویدادهای خشونت‌آمیز و غیرخشونت‌آمیز بود و تعریف مشخصی از آنتی‌سمیتیسم به چشم نمی‌خورد. (۲۱) در گزارش سال ۲۰۰۰-۲۰۰۱ نیز استفان روث بدون هیچ‌گونه دسته‌بندی موضوعی و تعریف مشخصی از آنتی‌سمیتیسم، به این مسئله از دریچه انتقاضه دوم فلسطینیان نگریسته و شمار رویدادهای آنتی‌سمیتیک را در مجموع ۲۵۵ اقدام خشونت‌آمیز ذکر می‌کند که در آن از سلاح استفاده شده است. (۲۲)

استفان روث در گزارش سال ۲۰۰۱ خود درباره آنتی سمیتیسم، به اصطلاح نئوآنتی سمیتیسم اشاره دارد و از آن به عنوان آنتی سمیتیسم سیاسی یاد می کند که از یک طرف آن را ناشی از ظهور اسلام رادیکال در برابر غرب، یهودیان و دولت اسرائیل و از طرف دیگر تلاش رسانه های گوناگون برای همدست نشان دادن اسرائیل و یهودیان می داند. علاوه بر این، در این گزارش به طور صریح آنتی سمیتیسم و آنتی صهیونیسم در کنار هم قرار داده شده اند. این تعریف جدید به طور مستقیم تحت تأثیر حادثه ۱۱ سپتامبر و استفاده از فضای به وجود آمده بود. علاوه بر این، اولین تعاریف جامع از آنتی سمیتیسم از جانب سازمانهای صهیونیستی در گزارشهای پس از سال ۲۰۰۱ این سازمانها آمده است که بنیاد امنیت جمعی یهودیان انگلیس (CST) در این زمینه نقش مهمی داشته است.

در گزارش سال ۲۰۰۶، سازمانهای صهیونیستی مصادیق جدیدی مانند «حمایت از اسلام رادیکال» و رابطه با رهبران خاورمیانه مانند محمود احمدی نژاد، بشار اسد و سید حسن نصرالله را به عنوان آنتی سمیتیسم مطرح ساختند که در گزارش انجمن ضدافترا به خوبی نمایان بود. (۲۳)

جالب توجه ترین تعریف جدید از مصادیق و مفهوم آنتی سمیتیسم در گزارش مؤسسه استفان روث در سال ۲۰۰۷ آمده است که به خوبی نمایانگر بهره برداری صهیونیست ها از فضای بوجود آمده پس از حادثه ۱۱ سپتامبر است. در این گزارش، با صراحت به موضوع آنتی ساس (آنتی سمیتیسم، آنتی اسرائیلیسم و آنتی صهیونیسم) پرداخته شده و در کنار آنتی آمریکاییسم به کار برده شده است. یعنی از یک طرف به گسترش مفهومی و مصداقی آنتی سمیتیسم پرداخته و از طرف دیگر خود را در کنار جبهه آمریکایی قرار داده اند. استفان روث می نویسد: «ضدیت با صهیونیسم و مقایسه و برابر دانستن سیاستهای اسرائیل با آلمان نازی به محلی برای اظهارات آنتی سمیتیک و مشروعیت بخشیدن به آنتی سمیتیسم تبدیل شده است. انتقاد از اسرائیل و صهیونیسم به عنوان ابزاری برای ابراز تنفر از یهودیان در آمده و در شکل ایدئولوژی های ضد اسرائیلی و ضد آمریکایی نمایان می شود.» (۲۴)

بهره برداری سازمانهای صهیونیستی از حوادث ۱۱ سپتامبر و فضای بین المللی پس از آن برای بسط مفهوم و مصداق آنتی سمیتیسم که در گزارشها و اظهارات صهیونیست ها و سازمانهای صهیونیستی به خوبی دیده می شود، هنوز ادامه داشته و مفهوم آنتی سمیتیسم پس از حادثه ۱۱ سپتامبر در حال شدن به دوران جدیدی است.

۳) عاملان جدید آنتی سمیتیسم؛ باز تعریف خودی و غیر خودی:

حادثه ۱۱ سپتامبر فضای بین المللی و طرف های درگیر در نظام بین الملل را تغییر داد و ۲ جبهه تروریسم و ضد تروریسم به وجود آورد که در یک طرف جبهه غرب به رهبری آمریکا قرار داشت و در طرف

دیگر تروریست‌ها و اسلام رادیکال بودند. نهادهای صهیونیستی که همواره به دنبال آن بوده‌اند که به رژیم صهیونیستی در یک محیط اسلامی مشروعیت بدهند و اعتراضات و مخالفت‌های جهان اسلام با اسرائیل را به سطح تضاد بین غرب و اسلام بکشانند، از این فضا استفاده کرده و به تبع جبهه‌گیری جدید بین‌المللی پس از ۱۱ سپتامبر به باز تعریف خودی، شامل یهودیان، اسرائیل، صهیونیست‌ها و غرب و غیر خودی، شامل مسلمانان و اسلام رادیکال به عنوان عاملان اصلی آنتی سمیتیسم بپردازند.

در گزارشهای استفان روث قبل از سال ۲۰۰۱ غالب رویدادهای به وقوع پیوسته توسط افرادی مانند تجدیدنظرطلب‌ها، نئونازی‌ها، جناح‌های راست افراطی در آمریکا و اروپا و... گزارش شده و اشاره محدودی به مسلمانان (در همه نقاط جهان) شده است. (۲۵) این در حالی است که گزارشهای پس از سال ۲۰۰۱ همین نهاد صهیونیستی در بخشهای جداگانه‌ای به آنتی سمیتیسم در میان مسلمانان و اسلام رادیکال پرداخته و در سالهای اخیر حتی آن را پر رنگ‌تر از سایر بخشهای گزارش‌های خود به تصویر می‌کشد.

در گزارش ۲۰۰۱ استفان روث آمده است: «نگرش اعراب و اسلامگراها به آمریکا، ناشی از یک دشمنی و هم‌آورد تاریخی بین اسلام و غرب بوده و دشمنی نسبت به یهودیان و اسرائیل نیز بخشی از این جریان است. چنانکه مشاهده شد واکنش مسلمانان نسبت به حوادث ۱۱ سپتامبر در ۲ جبهه آنتی آمریکانیسم و آنتی سمیتیسم رخ داد.» (۲۶)

استفان روث در این گزارش تمام کدهایی که به دست می‌دهد مربوط به مسلمانان و اسلام رادیکال است و حتی سعی دارد که اقدامات به اصطلاح آنتی سمیتیک سایر گروه‌ها مانند نئونازی‌ها، چپ‌ها و راست‌های افراطی را به مسلمانان ربط بدهد و در سراسر گزارش خود از اسلام رادیکال سخن به میان می‌آورد تا از این طریق اسرائیل و صهیونیسم را در جبهه مقابل اسلام رادیکال قرار دهد. (۲۷) در گزارش سال ۲۰۰۶ سازمانهای صهیونیستی در مورد آنتی سمیتیسم در کانادا نیز مسلمانان به عنوان عاملان اصلی آنتی سمیتیسم معرفی شده‌اند. (۲۸)

گزارش استفان روث در سال ۲۰۰۷ نیز به شدت سعی دارد این مطلب را اثبات کند که عامل اصلی رویدادهای آنتی سمیتیک در کل جهان، مسلمانان‌اند و به این ترتیب، سیاستهای خود را با سیاستهای دولتهایی مانند آمریکا و برخی کشورهای دیگر، همراه نشان داده و درصدد کم‌رنگ کردن نقش مسلمانان و اسلام باشند. استفان روث می‌نویسد: «واقعیت این است که آنتی صهیونیسم در پیچه‌ای به سوی اقدامات آنتی سمیتیک از طرف مسلمانان نسل دوم و سوم است که از طریق رسانه‌هایی مانند تلویزیون، ماهواره و اینترنت و توسط کشورهای عربی تغذیه می‌شوند. همچنین نشریات حاوی نگرشهای آنتی سمیتیک در

مساجد میان جوانان مسلمان پخش می‌شود و عناصر اسلام رادیکال از عوامل اصلی آنتی‌سمیتیسم در اتحادیه اروپا محسوب می‌شوند» (۲۹).

۴) تغییر حوزه جغرافیایی آنتی‌سمیتیسم:

از دیگر تأثیرات حادثه ۱۱ سپتامبر بر مفهوم آنتی‌سمیتیسم، تلاش صهیونیست‌ها برای تغییر حوزه جغرافیایی رویدادهای آنتی‌سمیتیک از اروپا و آمریکا به آمریکای لاتین و کشورهای عرب و مسلمان بود. پس از اینکه حادثه ۱۱ سپتامبر کشورهای عرب و مسلمان را به عنوان مناطق پرورش تروریسم معرفی کرد، صهیونیست‌ها نیز به تبع آن جهان اسلام را مرکز و عامل اصلی آنتی‌سمیتیسم معرفی کردند. در گزارش استفان روث در سال ۱۹۹۷-۱۹۹۸ به طور محوری به ارزیابی رویدادهای آنتی‌سمیتیک در اروپا و آمریکا پرداخته و اشارات محدودی به جهان اسلام دارد. (۳۰) در گزارش سال ۱۹۹۹ نیز صرفاً به چاپ چند کاریکاتور در نشریات عربی در حوزه جهان اسلام اشاره می‌کند که در مخالفت با دولت اسرائیل بوده است. در سال ۲۰۰۰ نیز اگرچه به تأثیر انتفاضه دوم فلسطینیان بر افزایش شمار رویدادهای آنتی‌سمیتیک اشاره می‌کند اما خاستگاه اصلی این رویدادها را اروپا و آمریکا ذکر می‌کند نه محیط خاورمیانه یا کشورهای عربی و جهان اسلام. (۳۱)

اما در گزارشهای سازمانهای صهیونیستی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ یک نوع تغییر نگرش جدی به مسئله آنتی‌سمیتیسم در کشورهای اسلامی و عربی صورت گرفته و اشکالی از آنتی‌سمیتیسم مطرح می‌شوند که در ادبیات آنتی‌سمیتیسم تا قبل از این، جایگاه محکمی نداشته‌اند زیرا در کشورهای عربی و اسلامی موارد بسیار نادری از رفتار ضدیهودی مشاهده می‌شود و غالب انتقادهایی که صورت می‌گیرد، جنبه ضداسرائیلی و ضدصهیونیستی داشته و دستمایه خوبی برای صهیونیست‌ها محسوب نمی‌شدند.

انجمن ضدافترا نیز پس از حوادث ۱۱ سپتامبر در سایت رسمی خود، بخشی را به رصد و ارزیابی رویدادهای آنتی‌سمیتیک در خاورمیانه اختصاص داده است. (۳۲)

استفان روث در گزارش سال ۲۰۰۷ خود به صورت بسیار پررنگ و در بخش جداگانه‌ای این تغییر نگرش به حوزه جغرافیایی را نشان داده و می‌نویسد: «هریمنی قلمداد کردن اسرائیل، صهیونیسم و یهودیان در قالب اصطلاحات آنتی‌سمیتیک در مقالات، کاریکاتورها، برنامه‌های تلویزیونی و مراسم مذهبی در کشورهای عربی همچنان تداوم دارد. به عنوان نمونه روزنامه البعث سوریه، سایت جنبش فتح، هفته‌نامه الرساله حماس، تلویزیون الاقصی، المستقبل، الجزیره و غیره به نشر آنتی‌سمیتیسم می‌پردازند» (۳۳).

همچنین انجمن ضدافترا در یک گزارش ۲۱ صفحه‌ای به ارزیابی حادثه ۱۱ سپتامبر و رسانه‌های عربی تحت عنوان «یک بازی خطرناک ضد یهودی و ضد آمریکایی» پرداخته و مواردی را ذکر کرده که متأثر از حادثه ۱۱ سپتامبر هستند. (۳۴)

تغییر حوزه جغرافیایی آنتی‌سمیتیسم فقط به کشورهای اسلامی محدود نبوده بلکه کشورهای آمریکای لاتین را نیز هدف خود قرار داده است و بویژه پس از بهبود رابطه کشورهای آمریکای لاتین با ایران، شدت بیشتری به خود گرفته است.

استفان روث در سال ۱۹۹۷، تعداد رویدادهای آنتی‌سمیتیک در آمریکای لاتین را بسیار کم ارزیابی کرده که غالباً در آرژانتین بوده است. (۳۵) در سال ۱۹۹۹ هم گزارش استفان روث اعلام کرده که آمریکای لاتین سال بسیار آرامی را پشت سر گذاشته است (۳۶) اما در گزارش سال ۲۰۰۱ خود و بلافاصله پس از حواث ۱۱ سپتامبر در بخش ویژه‌ای به آمریکای لاتین پرداخته و می‌نویسد: «مردم آمریکای لاتین حملات ۱۱ سپتامبر را نتیجه سیاست امپریالیستی آمریکا و سیاست این کشور در قبال اسرائیل می‌دانند و این وضعیت در کشورهایی مانند آرژانتین، ونزوئلا و برزیل دیده می‌شود. در ونزوئلا حوادث ۱۱ سپتامبر را نتیجه طبیعی حمایت آمریکا از اسرائیل و همچنین حمایت از اشغال سرزمین فلسطین توسط یهودیان دانسته و حتی مقامات رسمی و دولتی نیز به اظهار آن پرداخته‌اند. در برزیل نیز این حملات در چارچوب روابط آمریکا با یهودیان و اسرائیل تعبیر شده است.» (۳۷)

توجه سازمانهای صهیونیستی به آنتی‌سمیتیسم در آمریکای لاتین در سالهای پس از آن همچنان ادامه یافت و دامنه گسترده‌تری نیز پیدا کرد. طبق گفته‌های دانیل ماریاچین معاون اجرایی بنای بریت، در سالهای اخیر (یعنی پس از حوادث ۱۱ سپتامبر) گرایش‌های آنتی‌سمیتیک در آمریکای لاتین با افزایش چشمگیری روبه‌رو شده و در میان این کشورها، ونزوئلا بیش از همه شاهد گسترش تبلیغات ضداسرائیلی و ضدصهیونیستی بوده است. طبق گزارش استفان روث در سال ۲۰۰۶، «پیامهای آنتی‌سمیتیک، مشخصه بارز گفتار و ادبیات افراد و نهادهای دولتی، سازمانهای وابسته به دولت و نهادهای گروههای چپ‌گرا در ونزوئلا بوده است. لحن آنتی‌سمیتیک که در جامعه ونزوئلا در سالهای اخیر نمایان شده، غالباً توسط چاوز رئیس‌جمهور این کشور پایه‌گذاری شده است؛ کسی که اسرائیل و صهیونیست‌ها را به علت بی‌عدالتی‌های تاریخی نسبت به فلسطینیان مقصر می‌داند و با محمود احمدی‌نژاد رابطه دارد.» (۳۸)

همچنین انجمن ضدافترا در همان سال کشور ونزوئلا را به تقویت آنتی‌سمیتیسم، اتحاد با افراطی‌ها و اسلامگرایان، حمایت از حزب‌الله و حمله لفظی به اسرائیل متهم کرد و اگرچه توجه به سایر کشورهای

آمریکای لاتین در گزارشهای سال ۲۰۰۶ محدود بود اما به رویدادهای آنتی سمیتیک در کشورهای شیلی، بولیوی، آرژانتین، برزیل، کلمبیا و اوروگوئه، بارها اشاره شده است. (۳۹)

سازمانهای صهیونیستی در بی سابقه ترین اقدام در سال ۲۰۰۷ یک گزارش ۴۴۵ صفحه‌ای در مورد وضعیت آنتی سمیتیسیم در آرژانتین منتشر کردند که توسط مرکز دایا (انجمن نمایندگی یهودیان آرژانتین) تهیه شده بود و به ۲ زبان انگلیسی و اسپانیایی منتشر شد. اگرچه سازمان مذکور طی سالهای گذشته نیز درباره آرژانتین گزارشهایی را تهیه کرده اما گزارشهای مذکور در این سطح از کمیت و کیفیت نبوده‌اند. گزارش دایا نشان داد که توجه سازمانهای صهیونیستی به آمریکای لاتین افزایش یافته است. (۴۰)

بنابراین تغییر حوزه جغرافیایی از اروپا و آمریکا به آمریکای لاتین و جهان اسلام و کشورهای عربی پروژه‌ای بود که صهیونیست‌ها تنها پس از حوادث ۱۱ سپتامبر موفق به اجرای آن شدند و در سالهای آینده نیز توجه بیشتر آنها به این حوزه‌های جغرافیایی دور از انتظار نیست.

۵) مقابله فعال با آنتی ساس، نتیجه بین‌المللی شدن آنتی سمیتیسیم:

یکی از مهمترین پیامدهای حادثه ۱۱ سپتامبر برای موضوع آنتی سمیتیسیم، فراهم آوردن فضایی برای صهیونیست‌ها بود تا از طریق آن بتوانند موضوع آنتی سمیتیسیم را بین‌المللی کنند. همین موضوع بین‌المللی شدن آنتی سمیتیسیم بود که صهیونیست‌ها و سازمانهای صهیونیستی را از حالت انفعال خارج کرد و این امکان را به آنها داد که در برابر مسئله آنتی سمیتیسیم به صورت فعال ظاهر شوند.

قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر به علت آماده نبودن فضای بین‌المللی و منطقه‌ای در اروپا، آمریکا و سایر نقاط جهان، صهیونیست‌ها غالباً اقدام به انتشار گزارشهایی درباره آنتی سمیتیسیم در سطح محدود می‌کردند اما هنوز هیچ سازوکاری برای برخورد و مقابله با این پدیده نداشتند. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و به تبع برگزاری کنفرانس و نشست‌های متعددی درباره تروریسم و چگونگی مقابله با آن، صهیونیست‌ها نیز اقدام به برپایی چندین کنفرانس، نشست و گردهمایی کردند که در آغاز کار بیشتر با موضوع مقابله با تبعیض نژادی بود اما در سالهای بعد اقدامات زیادی را مستقیماً با موضوع آنتی سمیتیسیم در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی و محلی در سراسر دنیا انجام دادند که شامل قطعنامه‌ها، کنفرانس‌ها، قوانین و دستورات مختلف می‌شد که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم:

۵-۱) قرار گرفتن آنتی سمیتیسیم در دستور کار کشورها و سازمانهای بین‌المللی:

بین‌المللی شدن موضوع آنتی سمیتیسیم یکی از پیامدهای مستقیم حادثه ۱۱ سپتامبر بود. آنتی سمیتیسیم پس از حادثه ۱۱ سپتامبر مانند تروریسم در دستور کار بین‌المللی به ویژه سازمان ملل قرار

گرفت. اولین گزارش کامل نهادهای صهیونیستی در مورد وضعیت آنتی‌سمیتیسم و سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۷ به قلم «هیلل نیور» معاون اجرایی دیده بان حقوق بشر سازمان ملل و با همکاری «کمیته یهودیان آمریکا» تهیه و منتشر شد. این گزارش ۶۴ صفحه‌ای به موضوع بین‌المللی شدن آنتی‌سمیتیسم پرداخته و اقدامات سازمان ملل در مورد این مسئله را مطرح ساخته است.

پس از اینکه زمینه‌چینی صهیونیست‌ها برای استفاده از حادثه ۱۱ سپتامبر نتیجه داد، در ۲۱ ژوئن ۲۰۰۴، سازمان ملل در نیویورک برای اولین بار اقدام به برگزاری یک گردهمایی تاریخی با موضوع آنتی‌سمیتیسم کرد و طی آن کوفی عنان دبیر کل وقت سازمان ملل از جامعه جهانی خواست تا سازمان ملل را در زمینه مبارزه با آنتی‌سمیتیسم یاری دهند.

طبق گزارش هیلل نیور، «اولین گام جدی سازمان ملل در نوامبر ۲۰۰۴ برداشته شد که طی آن مجمع عمومی برای اولین بار در قطعنامه سالانه خود «تعصب مذهبی و آنتی‌سمیتیسم» را محکوم کرد. در اوائل سال ۲۰۰۵ و در اولین جلسه کمیسیون حقوق بشر در آن سال، طی ۳ قطعنامه به مسئله آنتی‌سمیتیسم پرداخته شد اما پس از جایگزینی شورای حقوق بشر به جای کمیسیون مذکور، دیگر هیچ قطعنامه‌ای در موضوع آنتی‌سمیتیسم مطرح نشد. بان کی مون دبیرکل جدید سازمان ملل در روز سوگند خوردن خود، از برگزاری کنفرانس هولوکاست در ایران انتقاد و آن را محکوم کرد و محو یک کشور از روی نقشه جغرافیایی را اقدامی غیرقابل قبول خواند. وی همچنین در دومین سالروز بزرگداشت هولوکاست اذعان داشت که باید با آنتی‌سمیتیسم و تعصب در اشکال گوناگون آن مبارزه کرد و پس از تصویب قطعنامه محکومیت انکار هولوکاست نیز گفت: این اقدام نشان‌دهنده شعور بالای جامعه بین‌المللی است، زیرا انکار هولوکاست پذیرفتنی نیست.» (۴۱)

دفتر کمیسیون عالی حقوق بشر به سرپرستی «دو دو داین»^۱ کارشناس نژادپرستی نیز یکی از بخشهای سازمان ملل بوده که اقداماتی را در راستای مقابله با آنتی‌سمیتیسم انجام داده است که می‌توان به برگزاری ۲ سمینار در این زمینه اشاره کرد. (۴۲)

مسئله هولوکاست یکی از مسائلی است که صهیونیست‌ها هر گونه دخل و تصرف و بازخوانی مبانی آن را یک اقدام آنتی‌سمیتیک به حساب می‌آورند. بنابراین سعی زیادی کردند تا از طریق اقدامات بین‌المللی به این مهم بپردازند. در گزارش نیور در مورد اقدامات مجمع عمومی درباره هولوکاست آمده است: «در ۲۴ ژانویه ۲۰۰۵ جلسه مجمع عمومی سازمان ملل با هدف گرامیداشت شصتین سالگرد آزادی آشویتز

برگزار و در آن بر اهمیت موضوع هولوکاست تأکید شد. همچنین در آغاز شصتین جلسه مجمع عمومی سازمان ملل در اواخر سال ۲۰۰۵، کشورهای عضو گام دیگری برداشتند و با تصویب قطعنامه ۶۰/۷ برای اولین بار، ۲۷ ژانویه را به عنوان روز جهانی هولوکاست تعیین کردند. این قطعنامه که با ابتکار اسرائیل و حمایت ۱۰۳ کشور، بدون رأی‌گیری به تصویب رسید، از دولتهای عضو نیز می‌خواهد که برنامه‌های آموزشی متعددی را در مورد هولوکاست ترتیب داده و منکران هولوکاست را مورد انتقاد قرار دهند. قطعنامه دیگر مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۶ ژانویه ۲۰۰۷ و یک روز قبل از دومین سالگرد گرامیداشت هولوکاست صادر شد که با شماره ۶۱/۲۵۵ به تصویب رسید و انکار هولوکاست را بدون استثناء محکوم کرد. این قطعنامه پاسخی به اظهارات محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور ایران در مورد اسرائیل و هولوکاست بود. (۴۳)

۲-۵) مقابله با آنتی‌سمیتیسم در سطوح منطقه‌ای، ملی و محلی:

در کنار تلاش سازمانها و شخصیت‌های صهیونیست برای قرار دادن مسئله آنتی‌سمیتیسم در دستور کار کشورها و سازمانهای بین‌المللی، آنها همچنین در سطوح منطقه‌ای مانند اروپا و ملی مانند بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکا، اقدامات گوناگونی انجام داده‌اند. این اقدامات شامل برگزاری کنفرانسهای گوناگون، ارائه توصیه‌های مختلف به سران کشورها، وادار کردن دستگاههای اجرایی و قضایی کشورهای مختلف برای وضع و اجرای قوانین مبارزه با هولوکاست و آنتی‌سمیتیسم و تعقیب مجرمان این گونه رویدادها می‌شود.

یکی از نمونه‌های اقدامات نهادهای صهیونیستی، برگزاری کنفرانسهای متعدد در سطح اروپا و به ویژه کشورهای عضو سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE) است. کنفرانس وین اولین کنفرانس بین‌المللی بود که منحصراً به آنتی‌سمیتیسم اختصاص می‌یافت و ۱۹ و ۲۰ ژوئن ۲۰۰۳ در وین پایتخت اتریش برگزار شد. این نشست ۲ روزه، حدود ۴۰۰ نماینده از ۵۵ کشور عضو OSCE را گرد هم آورد. سازمانهای صهیونیستی از این کنفرانس به عنوان یک رویداد تاریخی یاد کردند و آمریکا نیز نقش پررنگی در این کنفرانس داشت.

متعاقب کنفرانس وین، کنفرانس بعدی درباره آنتی‌سمیتیسم در برلین در ۲۸-۲۹ آوریل ۲۰۰۴ برگزار شد. کنفرانس پاریس نیز در روزهای ۱۶ و ۱۷ ژوئن ۲۰۰۴ با حضور سران OSCE و با موضوع «گسترش آنتی‌سمیتیسم و نژادپرستی از طریق اینترنت و ماهواره» و در سال ۲۰۰۵ نیز کنفرانس آنتی‌سمیتیسم در روزهای ۸ و ۹ ژوئن در کوردوبا، اسپانیا برگزار شد.

از مهمترین کنفرانسهای اخیر اعضای OSCE می‌توان به کنفرانس بخارست با عنوان «کنفرانس OSCE با موضوع مبارزه با تبعیض و ارتقای فهم و احترام متقابل» در ۷ و ۸ ژوئن ۲۰۰۷ اشاره کرد. این کنفرانس نیز همانند کنفرانسهای گذشته میزبان اکثر ۵۶ کشور عضو و سایر نهادهای مربوط به سازمان امنیت و همکاری اروپا بود و سازمانهایی نظیر کمیسیون اروپا، شورای اروپا و سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی نیز نمایندگانی در این کنفرانس داشتند. همچنین علاوه بر حضور گسترده سازمانهای صهیونیستی، شماری از گروههای مسلمان و سایر اقلیتها نیز نمایندگانی در این کنفرانس داشتند. در بیانیه پایانی این کنفرانس مستقیماً به موضوعات آنتی سمیتیسم و هولوکاست اشاره شده است. (۴۴)

یکی دیگر از اقدامات مهم سازمانها و افراد صهیونیست در راستای مبارزه با آنتی سمیتیسم در سطوح منطقه‌ای و ملی، پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، وادار کردن کشورهای گوناگون به وضع قوانین درباره آنتی سمیتیسم و هولوکاست است که قوانین مربوط به مجازات انکار هولوکاست یکی از این نمونه‌هاست. موضوع هولوکاست یا ادعای یهودیان مبنی بر کشته شدن ۶ میلیون یهودی و چگونگی آن در طول جنگ جهانی دوم به دست نازی‌ها، یکی از موضوعات بحث برانگیز در میان تاریخدانان و اندیشمندان جهان است. بررسی این قضیه از جوانب مختلف، باعث پیدایش گروه تجدیدنظر طلبان شده که اصول مورد نظر صهیونیست‌ها و قرائت رسمی هولوکاست را زیر سؤال می‌برند. بنابراین در نگاه صهیونیست‌ها این افراد آنتی سمیتیست محسوب می‌شوند. از آنجا که غالب این افراد در کشورهای اروپایی و آمریکا حضور دارند، صهیونیست‌ها سعی کرده‌اند در سطوح منطقه‌ای و ملی قوانینی برای مجازات و تعقیب آنها به تصویب برسانند. در حال حاضر در بسیاری از کشورهای اروپایی، قوانینی علیه تحریک احساس تنفر نژادی وجود دارند و در ۱۰ کشور اروپایی نیز قوانین کیفی در مورد انکار هولوکاست تصویب شده‌اند که بر شمار این کشورها افزوده می‌شود. این قوانین که در کشورهای مختلف به تصویب رسیده‌اند، صرفاً جنبه نمادین نداشته بلکه تاکنون دهها نفر از تجدیدنظر طلب‌ها، با توسل به آنها، به مجازات‌هایی مانند زندان و جریمه نقدی محکوم شده‌اند. (۴۵)

یکی دیگر از نمونه‌های مبارزه با آنتی سمیتیسم در سطح ملی مربوط به آمریکا است که در آن صهیونیست‌ها از نفوذ و قدرت بالایی برخوردارند. در این کشور نیز علی‌رغم سابقه حضور یهودیان، تا سال ۲۰۰۴ در مجموعه قوانین وزارت امور خارجه آمریکا، هیچ قانون صریحی در مورد لزوم مبارزه با آنتی سمیتیسم جهانی وجود نداشت. در این سال، تام لانتوس^۱ نماینده جمهوریخواه و سناتور جرج وینویچ^۲ موفق شدند طرحی را در حمایت از نقش وزارت امور خارجه آمریکا در کنترل و مقابله با آنتی سمیتیسم به تصویب برسانند و در ۱۶ اکتبر ۲۰۰۴ بوش رئیس جمهور آمریکا صراحتاً اعلام کرد یکی از مصادیق دفاع از آزادی، نابودی پدیده زیانبار آنتی سمیتیسم در جهان است. (۴۶)

- 1- Tom Lantos
- 2- George Vinovich

در واقع آنچه آمریکا و جرج بوش را متقاعد کرد که به موضوع مبارزه با آنتی‌سمیتیسم بپردازند، نگرش به این قضیه در چارچوب یک هدف بزرگتر یعنی مبارزه با تروریسم است که صرفاً پس از حادثه ۱۱ سپتامبر حاصل شده است. وزارت امور خارجه آمریکا از آن پس علاوه بر رصد رویدادهای آنتی‌سمیتیسم، مسئولیت برگزاری ۲ کنفرانس بزرگ با موضوع مقابله با آنتی‌سمیتیسم را در نیویورک و برلین برعهده گرفت. آمریکا خود در سال ۲۰۰۴ تعریف مبسوطی از آنتی‌سمیتیسم ارائه داد و انتقاد از اسرائیل را نیز در این تعریف گنجانده، در سال ۲۰۰۴ به بند اختیارات ویژه وزارت امور خارجه آمریکا بند ۵۹ مبنی بر کنترل و مقابله با آنتی‌سمیتیسم اضافه شد که در آن بر تأسیس یک دفتر ویژه و دائمی در وزارت امور خارجه تأکید شده بود و در می ۲۰۰۶ نیز کاندولیزا رایس وزیر امور خارجه آمریکا، اولین نماینده ویژه مقابله با آنتی‌سمیتیسم را منصوب کرد و دفتر کنترل و مقابله با آنتی‌سمیتیسم رسماً به ریاست گرگ ریکمن^۱ شروع به کار کرد. (۴۷)

در گزارش اخیر سازمانهای صهیونیستی درباره مقابله فعال با آنتی‌سمیتیسم در سال ۲۰۰۷ نیز نمونه‌های زیادی به چشم می‌خورد. طبق این گزارش اولین گام برای مقابله با آنتی‌سمیتیسم و منکران هولوکاست در سال ۲۰۰۷، در ماه آوریل توسط شورای اتحادیه اروپا برداشته شد و به همت آنجلا مرکل یک چارچوب درباره نژادپرستی و بیگانه‌ستیزی تهیه شد. این گزارش همچنین تعدادی از اقدامات دادگاهی علیه تجدیدنظرطلبان هولوکاست و متهمان آنتی‌سمیتیست را برمی‌شمارد که یکی از این نمونه‌ها محکومیت ارنست زاندل به ۵ سال زندان از طرف دادگاه مانهایم بود. (۴۸)

جدول شماره ۱- تأثیر حادثه ۱۱ سپتامبر بر قبض و بسط مفهوم آنتی‌سمیتیسم در ابعاد مختلف

دوره زمانی پارامترها	قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر	پس از حادثه ۱۱ سپتامبر
مفهوم	آنتی‌سمیتیسم کلاسیک و مدرن	آنتی‌ساص (آنتی‌سمیتیسم، آنتی‌اسرائیلیسم و آنتی‌صهیونیسم)
مصادیق	مصادیق عینی و فیزیکی شامل آزار و اذیت یهودیان	مصادیق عینی و فیزیکی + مصادیق ذهنی و اندیشه‌ای (هرگونه انتقاد از اسرائیل و صهیونیسم)
عوامل آنتی‌سمیتیسم	مسیحیان و افکار عمومی اروپا و آمریکا	اسلام رادیکال، مسلمانان و گروه‌های راست و چپ افراطی
حوزه جغرافیایی	تمرکز اصلی بر کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی	تمرکز بیشتر بر کشورهای اسلامی و آمریکای لاتین
رویکرد واکنش صهیونیستها	انفعال (بیشتر ارائه آمار و ارقام)	مقابله فعال با آنتی‌ساص در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی

1- Gregg Rickman

نتیجه گیری:

فضای به وجود آمده پس از ۱۱ سپتامبر که عمدتاً یک فضای دوران انتقال برای شکل گرفتن نظم نوین بین‌المللی محسوب می‌شد، فرصتی برای صهیونیست‌ها بود تا مانند بهره‌برداری از دیگر رویدادهای بین‌المللی از آن نیز استفاده لازم را برده و اقدام به زمینه‌چینی برای پی‌ریزی یک ساختار جدید کنند که این ساختار، این بار نه طرحی برای تأسیس یک رژیم غاصب دیگر بلکه برای تأمین امنیت رژیم صهیونیستی و تأسیس یک ادبیات فراگیر برای سلطه بر افکار و اندیشه بین‌المللی است که به زعم آنان در قالب آنتی سمیتیسم ظهور کرده است.

اگرچه صهیونیست‌ها همواره در طول تاریخ از اصطلاح آنتی سمیتیسم برای دستیابی به مقاصد خود استفاده کرده‌اند اما توجه روزافزون آنها به این مفهوم پس از حادثه ۱۱ سپتامبر قابل تأمل است. در مجموع می‌توان گفت که ۱۱ سپتامبر موجب شد تا صهیونیست‌ها از فضای بوجود آمده استفاده کرده و مسئله آنتی سمیتیسم را در دستور کار کشورها و سازمانهای بین‌المللی قرار دهند به نحوی که سازمان ملل متحد، سازمانهای منطقه‌ای و کشورهای گوناگون را وادار به مقابله با آنتی سمیتیسم کردند، در حالی که قبل از این رویداد، واکنش سازمانهای صهیونیستی صرفاً در قالب ارائه آمار و اظهار نگرانی از افزایش رویدادهای آنتی سمیتیک در کشورهای گوناگون بود.

در سایر ابعاد نیز آنتی سمیتیسم در حال جایگزین شدن با آنتی ساص بوده و حوزه جغرافیایی نیز در حال منتقل شدن به جهان اسلام و کشورهای آمریکای لاتین بوده و بخشهایی از این انتقال نیز صورت گرفته است. در حقیقت این تلاش صهیونیست‌ها برای بسط مفهوم آنتی سمیتیسم زنگ خطری برای کشورهای حامی حقوق بشر و حامی دفاع از ملت فلسطین است. بنابراین توجه به این مهم باید در دستور کار چنین کشورها، نهادها و جوامعی قرار گیرد و باید به دنبال روشهایی برای مقابله با این سلطه‌جویی صهیونیستی بود.

یادداشت‌ها و منابع:

- ۱- حسین ضیائی، جهان پس از ۱۱ سپتامبر، تهران: سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی، دفتر پژوهش و بررسی‌های خبری، ۱۳۸۶، ص ۶۹
- ۲- عبدالعلی قوام، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: سمت، ۱۳۸۱، ص ۳۰۷.
- 3- Carol Rittner, Stephen D.Smit and Irena Steinfeldt, The Holocaust and the Christian world, Great Britian, Kupper, 2002, p:35.
- ۴- ناصر پورحسین، تحول مفهوم آنتی‌سمیتیسم، بانک اطلاعاتی مؤسسه تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی - علمی ندا (۱۳۸۲/۱۲/۱۳)
- ۵- پژوهش صهیونیت: مجموعه مقالات / به کوشش محمود احمدی، تهران: مرکز مطالعات فلسطین، ۱۳۸۱، ص ۱۳۲
- ۶- مهدی کاظمیان، نشوونمای سمیتیسم، بانک اطلاعاتی مؤسسه تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی - علمی ندا (۱۳۸۲/۱۰/۱۰)
- ۷- برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به:
- Marvin perry and frederick M.Schweitzer, Antisemitism, Myth and Hate Form Antiquity to the Present, Palgrave Macmillan, 2002.pp:43-119
- ۸- پژوهش صهیونیت، همان، صص ۱۷۸-۱۳۷.
- ۹- برای اطلاع بیشتر در این زمینه به منابع زیر رجوع کنید:
- ناصر پورحسین، همان.
- Jocelyn Helli, The Holocaust and Antisemitism: A Short History, England: Oneworld Publications, 2003, pp:23-28.
- ۱۰- ملک یحیی صلاحی، اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، تهران: قومس، ۱۳۸۴، ص ۱۱۸.
همچنین رجوع کنید به:
- Simone Gigliotti And Berel Lang (edited by), the Holocaust, A Reader, Blakwall publishing Ltd, 2005.
- ۱۱- همان
- ۱۲- مهدی کاظمیان، همان.
- ۱۳- اعلامیه بالفور، سنگ بنای رژیم صهیونیستی (۱۳۸۲/۲/۲۳) قابل ملاحظه در سایت بصیرت:
- www.basirat.ir/news.aspx?newsid=29781
14- www.counterpunch.org/brenner1223.html
15- www.axt.org.uk/essays/sacks1.htm
16- www.adl.org/911/Arabmedia_911.pdf
17- www.tau.ac.il/Anti-semitism/asw2001-2/general.htm
- ۱۸- در گزارش استفان روث جزئیات اقدامات مذکور و میزان جراحات در این حوادث ذکر شده است.

۱۹- مهدی کاظمیان، پیشین.

20- www.tau.ac.il/Anti-semitism/asw97-8/introductions.html

21- www.tau.ac.il/Anti-semitism/asw99-2000/generlunalsis.htm

22- www.tau.ac.il/Anti-semitism/asw2000-1/genral_analysis

۲۳- ارزیابی رویدادهای آنتی‌سمیتیستی در قاره آمریکا در سال ۲۰۰۶، بولتن رویداد و گزارش اسرائیل، فلسطین، صهیونیسم، شماره ۳۳۵، مورخ (۱۳۸۶/۱/۲۹) مؤسسه تحقیقات و پژوهشهای سیاسی- علمی ندا.

۲۴- ابراهیم رسولی، بررسی گزارش مؤسسه استفان روث درباره آنتی‌سمیتیسم در سال ۲۰۰۷، بانک اطلاعاتی مؤسسه تحقیقات و پژوهشهای سیاسی- علمی ندا (۱۳۸۷/۵/۱۲).

25- www.tau.ac.il/Anti-semitism/asw99-2000/generlunalsis.htm

26- www.tau.ac.il/Anti-semitism/asw2001-2/general.htm

27- Ibid

۲۸- ارزیابی رویدادهای آنتی‌سمیتیستی در قاره آمریکا در سال ۲۰۰۶، بولتن رویداد و گزارش اسرائیل، فلسطین، صهیونیسم، شماره ۳۳۵، مورخ (۱۳۸۶/۱/۲۹) مؤسسه تحقیقات و پژوهشهای سیاسی- علمی ندا.

۲۹- ابراهیم رسولی، پیشین (۱۳۸۷/۵/۱۲)

30- www.tau.ac.il/Anti-semitism/asw97-8/introductions.html

31- www.tau.ac.il/Anti-semitism/asw2000-1/genral_analysis.htm

۳۲- برای اطلاعات بیشتر در این زمینه به سایت www.ADL.org رجوع کنید.

۳۳- ابراهیم رسولی، پیشین (۱۳۸۷/۵/۱۲)

34- www.adl.org/911/Arabmedia_911.pdf

35- www.tau.ac.il/Anti-semitism/asw97-8/introductions.html

36- www.tau.ac.il/Anti-semitism/asw99-2000/generlunalsis.htm

37- www.tau.ac.il/Anti-semitism/asw2001-2/general.htm

۳۸- ارزیابی رویدادهای آنتی‌سمیتیستی در قاره آمریکا در سال ۲۰۰۶، بولتن رویداد و گزارش اسرائیل، فلسطین، صهیونیسم، شماره ۳۳۵، تاریخ (۱۳۸۶/۱/۲۹) مؤسسه تحقیقات و پژوهشهای سیاسی- علمی ندا.

۳۹- ابراهیم رسولی، پیشین (۱۳۸۶/۱/۲۹).

۴۰- بررسی گزارش ۴۴۵ صفحه‌ای آنتی‌سمیتیسم در آرژانتین، بولتن رویداد و گزارش صهیونیسم، شماره ۲۲، مورخ (۱۳۸۷/۶/۲۲)، مؤسسه تحقیقات و پژوهشهای سیاسی علمی ندا.

۴۱- ابراهیم رسولی، سازمان ملل و مسئله آنتی‌سمیتیسم از ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷، بانک اطلاعاتی مؤسسه تحقیقات و پژوهشهای سیاسی- علمی ندا (۱۳۸۶/۹/۲۱).

۴۲- همان.

۴۳- همان.

- ۴۴- ابراهیم رسولی، گزارشی از کنفرانس بخارست درباره آنتی‌سمیتیسم، بانک اطلاعاتی مؤسسه تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی - علمی ندا (۱۳۸۶/۴/۲۷).
- ۴۵- بررسی قوانین مجازات انکار هولوکاست، بولتن رویداد و گزارش صهیونیسم، شماره ۱۲۷، مورخ ۱۳۸۵/۴/۲۸، مؤسسه تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی - علمی ندا.
- ۴۶- ساز و کار مقابله با آنتی‌سمیتیسم در وزارت خارجه آمریکا، بولتن رویداد و گزارش اسرائیل، فلسطین، صهیونیسم - شماره ۳۳۶، مورخ ۱۳۸۵/۵/۲، مؤسسه تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی - علمی ندا (۱۳۸۵/۲/۵).
- ۴۷- همان.
- ۴۸- ابراهیم رسولی، پیشین (۱۳۸۷/۵/۱۲).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی